

بیداری اسلامی؛

سناریوی فرهنگی منتخب جمهوری اسلامی ایران

سیدمحمد حسینی^۱، عبدالله مبینی دهکردی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، تجلی قدرت نرم به معنای توانایی معنوی و تأثیرگذاری در رفتار دیگران بدون تهدید یا پرداخت هزینه محسوس است. پیام جذاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی توانست رهگشای ملت‌های مسلمان و ملل جهان سومی و مستضعف شود، راه و رسم و الگوی جدیدی را پیش روی آنان قرار دهد و ضمن احیای هویت جهان اسلام، ارتقای بیداری اسلامی بر اساس تکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی را به ارمغان آورد.

روش، آمیخته است؛ در مطالعه اکتشافی از روش اسنادی و در جمع‌آوری نظرهای افراد خبره از روش توصیفی و استنباطی و از تکنیک پرسش‌نامه، در مرحله تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی و آزمایشی و از تکنیک مقطعی و *Lizrer* و *Spss* و تدوین و تحلیل سناریوهای فرهنگی جهان و انتخاب سناریوی منتخب از رویکرد عدم قطعیت بحرانی (*Schwartz*) استفاده شده است. سناریوهای فرهنگی حاکم بر جهان در قرن بیست و یکم به شناسایی پنج سناریوی اصلی منجر شد و در کنکاش حاضر سناریوی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز بیست‌ساله از میان آنان انتخاب گردید.

واژگان کلیدی

سناریوسازی، تهاجم فرهنگی، تقابل فرهنگی، تبادل فرهنگی، تعامل فرهنگی، بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۲۸

info@drhosseini.ir

۱. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

hatefmd@yahoo.com

۲. استادیار مدیریت راهبردی دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

❖ مقدمه

❖ سال چهاردهم، شماره نهم و سوم، پاییز ۱۳۹۲

روند تحول جهانی، تشکیل نظم نوین و قطب‌بندی‌های جهانی به سرکردگی غرب و به رهبری آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل با وقوع بیداری اسلامی و بازگشت جوامع به ماهیت و هویت اصلی خود و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به برهم خوردن معادله‌های منطقه‌ای و جهانی منجر شده و انقلاب اسلامی را به‌عنوان کانون بیداری اسلامی به قطب اصلی گفتمان بیداری اسلامی تبدیل کرده است. بدون شک نقطه عطف بسیار مهم در مسیر بیداری اسلامی، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که تأثیر شگرف بر مسیر تحول منطقه و جهان بر جای گذاشت و با تشکیل نظام مردم‌سالار مبتنی بر دین راه جدیدی را در برابر بشریت قرار داد.

یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار و شاید مهم‌ترین مؤلفه‌ای که جمهوری اسلامی ایران را از دیگر حکومت‌ها متمایز می‌سازد، تکیه بر مؤلفه فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. توسعه تفکر انقلاب اسلامی و گسترش فرهنگ، رویکرد تولید قدرت نرم است. پس از پیروزی نهضت اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تحول‌های فراوان و تأثیرگذاری در سطح جهانی و منطقه‌ای به‌عنوان رویکرد جدید در معادله‌ها و روابط بین‌الملل بر جای گذاشت. با توجه به چگونگی روابط قدرت در دهه‌های آینده در نظام بین‌الملل بر اساس تعامل فرهنگ‌هاست که با درک عمیق و صحیحی از تحول‌توانند خود را با شرایط جدید و نیاز جوامع انسانی هماهنگ کنند، با آینده‌نگری و هوشمندی خاص بتوانند فرهنگ خود را غنا بخشند، با کاربردی کردن آن به رشد، پرورش و افزایش آگاهی، دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی آنها برای تحول کمک کنند تا پیشرفت، قانون‌پذیری، بهبود روابط اجتماعی و انسانی به دست آید و با رشد فرهنگ، افزایش توانایی‌های علمی، اخلاقی و معنوی و رواج ارزش‌ها و تقویت هویت معنوی یکپارچه برای جامعه حاصل شود.

روند تحول جهانی و پیچیدگی‌های روزافزون این دگرگونی‌ها، پاسخگو نبودن مکاتب فکری، فرهنگی و سیاسی ساخته بشر در قرن بیستم در دو اردوگاه شرق و غرب، شرایطی را بر نظام بین‌الملل حاکم کرد که انسان فرهیخته عصر حاضر توان پاسخگویی به تمام نیازهای انسان امروزی را ندارد. از این نظر هر چه بر دامنه پیشرفت‌های مادی و تکنولوژیک افزوده شود، نیاز بشر به معنویت و معارف ناب که تأمین‌کننده نیازهای فطری و کمال‌جویانه انسان باشد، بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر موفقیت‌های بزرگ انقلاب اسلامی در صحنه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی، آن‌را به الگویی بی‌بدیل تبدیل کرد و رکن اصلی پیدایش بیداری اسلامی شد. این حرکت که در کشورهای منطقه شروع شده، محیط جغرافیایی بیشتری را هر روز درمی‌نوردد، بی‌تردید در آینده‌ای نزدیک مسیر تکاملی خود را طی خواهد نمود و محصول آن، تغییر معادله قدرت امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مبارزه با ظلم و ستم، عدالت‌خواهی، ایجاد جامعه مبتنی بر معنویت و آزادی، ایجاد نظام مبتنی بر هویت، اصالت و ارزش‌های اسلامی و... خواهد بود.

از آنجایی که هویت انقلاب اسلامی، ماهیت فرهنگی و ارزشی آن است و در بطن خود حاوی پیام‌ها و آرمان‌های جدیدی برای کلیه جوامع و ملت‌های آزادی‌خواه در جهان است، راه‌های جدیدی را برای امت‌های مسلمان جهت برون‌رفت از چالش‌ها و موانع پیش‌روی آنان و مطابق با چشم‌انداز جدید باز کرده است؛ از این رو وقوع موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه از شمال آفریقا تا غرب آسیا پشتوانه پیام مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی فرهنگ غرب و تسلط آنان بر جهان، چندجانبه‌گرایی، چندقطبی شدن جهان، تشکیل قطب منطقه‌ای، ایجاد توازن قدرت، ایجاد راه و رسم جدید اسلامی، ثبات منطقه‌ای، هویت جدید و بازگشت به خویشتن خواهد بود.

با این رویکرد، جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به جایگاه برتر منطقه‌ای نیازمند بهره‌گیری از تکنیک و روش‌های آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی است تا با رصد کردن محیط امنیتی منطقه‌ای و جهانی، نقش رقیبان و پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر محیط را شناسایی کند و با در پیش گرفتن رویکردی پیش‌دستانه به‌عنوان بازیگر اصلی و نقش‌آفرین، همچنین با بهره‌گیری از موج بیداری اسلامی به جایگاه الهام‌بخش خود دست یابد.

بیان مسئله

پیچیدگی مسائل فرهنگی و روابط بین آنها در حوزه کلان و راهبردی نیازمند طراحی از پیش تعیین شده است تا با طرح‌ریزی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا در سطح کلان بتوان از خطاها و لغزش‌ها و هدر رفتن منابع و امکانات جلوگیری کرد. از آنجایی که تعامل فرهنگی در افق چشم‌انداز با دیگر کشورهای منطقه و جهان نیازمند شناخت عمیق از تحولات و رویدادها و شناسایی جریان‌های فرهنگی، رویکردها، روش‌ها و شیوه‌های فرهنگی رقبای منطقه‌ای، غرب و در پیش گرفتن راهکارهای منطقی است؛ بنابراین بدون سیاست‌گذاری مدون و طراحی یکپارچه و نگاه رو به جلو، همچنین تفکر و برنامه‌ریزی رو به جلو نمی‌توان به اهداف و نیات بلند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دست یافت.

برای سنجش رابطه میان مطالعه کتابخانه‌ای برای مشخص شدن سناریوهای موجود و تلاش برای شناسایی میزان توافق گروه خبره فرهنگی، ابتدا پیش‌ران‌های کلیدی استخراج و با نظرسنجی از خبرگان، میزان نقش و تأثیر هرکدام از آنها بر تصمیم اصلی و اهداف تعیین شده بررسی گردید؛ همچنین با مطالعه اسنادی، تطبیق لازم داده شد و در پایان مقاله در جدول مقایسه تطبیقی، بین پنج سناریوی فرهنگی

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

و هشت پیش‌ران کلیدی از بین منابع کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی به صورت مدون و ساختاریافته نتیجه نهایی ارائه می‌شود.

در حالی که جمهوری اسلامی در افق چشم‌انداز ۲۰ساله باید به قدرت اول علمی، فناوری و فرهنگی منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل شود، نگاه به آینده و تحقق اهداف فرهنگی آن، بدون استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی میسر نیست. تحقیق‌های هدف‌محور به جای پژوهش‌های مسئله‌محور با بهره‌گیری از رویکرد طراحی باید از تکنیک برنامه‌ریزی بر اساس سناریو شکل گیرد تا با شناسایی سناریوی فرهنگی متناسب با اهداف و رصد تحول‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده، تمامی تغییر و تحول‌ها و اقدام‌های رقبا را محاسبه و ارزیابی دقیق کند. در شرایط فعلی، جمهوری اسلامی ایران فاقد چنین طراحی سناریوی فرهنگی برای تغییر معادله قدرت در سطح منطقه‌ای است. با توجه به توضیح فوق، مسئله اصلی این مقاله فقدان سناریوی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ساله برای دسترسی به اهداف تعیین شده در سند یادشده برای نیل به قدرت اول منطقه‌ای است.

اهداف

۱. طراحی سناریوی مطلوب فرهنگی آینده جمهوری اسلامی ایران؛
۲. شناخت سناریوهای فرهنگی جهان در روابط بین‌الملل.

سؤال‌ها

۱. سناریوهای فرهنگی محتمل و منتخب پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ساله کدام است؟
۲. سناریوهای فرهنگی جهان در قرن بیست و یکم چه ویژگی‌هایی دارند؟

فرضیه

بین شناسایی پیش‌ران‌های کلیدی سناریوهای فرهنگی جهان و انتخاب سناریوی منتخب با تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قدرت اول منطقه آسیای جنوب غربی رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری

در گذشته روش برنامه‌ریزی سنتی که بیشتر بر پایه پیش‌بینی‌های قطعی استوار بود، تا حدود زیادی موفق از آب درمی‌آمد؛ اما اکنون این روش دیگر کارایی ندارد. امروز با ظهور رویدادهای پیش‌بینی نشده و غافلگیرکننده، ناتوانی رهبران و مدیران برای درک تغییرهای نوظهور آشکار شده است. این ناتوانی موجب از کار افتادن و استفاده ناپذیر شدن استراتژی‌های طراحی شده بر اساس پیش‌بینی‌های قطعی می‌شود. تغییرهای بزرگ و چشمگیر معمولاً در عرصه‌هایی به وقوع پیوسته‌اند که به ذهن هیچ متخصصی خطور نکرده است؛ به‌رحال باید اذعان کرد که آینده، ثابت و پایدار نیست و پیش‌بینی‌های قطعی‌ای که فقط بر اساس مطالعه گذشته و تاریخ تهیه می‌شوند، جوابگوی نیازهای رهبران و مدیران ارشد سازمان‌ها هنگام برنامه‌ریزی استراتژیک نیست. روش «برنامه‌ریزی بر پایه سناریو» برای پاسخگویی به چنین نیازهایی پا به میدان می‌گذارد.

سناریو

فرهنگ لغت، سناریو را «طرح کلی وضعیت طبیعی حوادث یا طرح کلی وضعیت حوادث مورد انتظار» می‌داند؛ اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم، می‌توان گفت که سناریو، داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد؛ اما در مبحث برنامه‌ریزی بر پایه سناریو می‌توان آن را به‌صورت

داستان‌های مربوط به آینده‌های ممکن متعدد که یک کشور احتمالاً با آنها روبرو خواهد شد، تعریف کرد. سناریوها به صورت نموداری و پویا و متحرک جریان تحول و پیدایش دنیای آینده را نمایش می‌دهند. سناریوها موجب تمرکز توجه ما روی نقاط انشعاب مسیر آینده و پیشامدهای بالقوه در این مسیر می‌شوند. به کمک تصمیم‌گیری بر پایه آینده بدیل و آزمون استراتژی‌های پیشنهادی در شرایط مختلفی که سناریوها معرفی می‌کنند، برای رویارویی با عدم قطعیت‌های آینده آمادگی بیشتری کسب می‌کنیم. در این حالت تصمیم‌های گرفته‌شده در برابر اکثر رویدادهای آینده که شاید برخی از آنها دور از تصور باشند، انعطاف‌پذیری زیادی خواهند داشت (list, 2005: 126).

فرایند برنامه‌ریزی بر پایه سناریو

برای فعالیت در دنیای سرشار از عدم قطعیت، رهبران و مدیران باید مفروض‌های خود را درباره مسیر حرکت جهان با پرسش‌های فراوان «اگر این‌طور شود، چه؟» به چالش بکشند تا بتوانند جهان آینده را واضح‌تر ببینند (شوارتز، ۱۳۸۸: ۷۶). هدف برنامه ریزی بر پایه سناریو کمک به رهبران و مدیران، برای تغییر نگرش آنها نسبت به «واقعیت‌های پنداری» و نزدیک کردن هر چه بیشتر دیدگاه آنها به «واقعیت‌های موجود» یا «واقعیت‌های در حال ظهور» است (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۳). نتیجه نهایی برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، ترسیم یک نقشه درست و دقیق از آینده نیست، بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام‌مند تصمیم‌های مربوط به آینده است (گوده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

گام‌های برنامه‌ریزی بر پایه سناریو به شرح زیر توصیف شده است (شوارتز، ۱۳۸۸: ۴۵):

گام اول: آشکارسازی تصمیم؛

گام دوم: به دست آوردن و جمع‌آوری اطلاعات؛

- گام سوم: شناسایی نیروهای پیش‌ران کلیدی؛
- گام چهارم: آشکارسازی عناصر به‌نسبت معین؛
- گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی؛
- گام ششم: تدوین سناریوها؛
- گام هفتم: تحلیل تصمیم؛
- گام هشتم: انتخاب شاخص‌های راهنما.

ویژگی‌های سناریوهای برتر

- یک سناریو، غیب‌گویی، فال‌گیری، پیشگویی یا پیش‌بینی نیست، بلکه زنجیره‌ای منطقی و مستدل از رویدادهایی است که از استمرار روندهای مشخص و یا تحقق واقعیت‌های مشخص ناشی می‌شوند (شارپ‌بیل، ۱۳۹۱: ۹۲)؛
- در هر تمرین برنامه‌ریزی بر پایه سناریو لزوماً باید چندین سناریوی مختلف و متمایز تهیه شوند تا بدین ترتیب دامنه‌ای گسترده از آینده‌های مختلف پوشش داده شود و تقریبی قابل اطمینان از روندها و واقعیت‌های آینده به‌دست آید؛
- سناریوها همیشه حاوی بعضی مطالب هستند که جهان‌بینی و ساختار ذهنی ما را به چالش می‌کشند و گرنه در همان ساختار ذهنی قدیمی محبوس خواهیم ماند و باید با پیامدهای ناگوار آن روبرو شویم.

روش و جامعه مورد بررسی

روش بررسی در نوشتار حاضر در چند مرحله و با روش‌ها و تکنیک‌های متفاوت استفاده شده است. در مرحله اکتشافی از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی و از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. در مرحله جمع‌آوری نظرهای افراد

خبره و متخصص مرتبط با موضوع مورد بررسی از روش توصیفی و استنباطی، از تکنیک پرسش‌نامه و روش دلفی بهره گرفته شد. در مرحله تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی و آزمایشی و از تکنیک روش مقطعی و Lisrer و SPSS و Excel و تکنیک روش استنباطی آماری ناپارامتریک، آمار استنباط کلی آزمون دو جمله‌ای فریدمن، آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. در مرحله رویکرد تدوین سناریوهای فرهنگی جهان و انتخاب سناریوی منتخب از روش عدم قطعیت بحرانی^۱ استفاده شده است.

جامعه آماری نیز هزار و ۱۰۰ نفر از مسئولان، مجریان، سیاست‌گذاران، هیئت علمی، کارشناسان و خبرگان فرهنگی به شرح جدول (۱) تهیه شده است:

جدول ۱. جامعه آماری

مراکز تحقیقاتی و فرهنگی کشور	تعداد اعضای هیئت علمی	مراکز تحقیقاتی و فرهنگی کشور
۱۶	۱۱۰	نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی
۴۵	۳۰۸	مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی
۴۷	۳۱۹	دانشکده‌های فرهنگی
۴۵	۳۰۸	مسئولان، مدیران، معاونان، مجریان و کارشناسان فرهنگی
۴	۲۲	حوزوی
۱۶۲	۱۱۰۰	جمع

تحلیل استنباطی یافته‌ها

به منظور بررسی فرضیه‌های اصلی و فرعی، همچنین نتایج جانبی، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (برای بررسی نرمال بودن شاخص‌ها)، آزمون t تک‌نمونه، آزمون t برای گروه‌های مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون فریدمن استفاده شده است. ابتدا به بررسی فرضیه‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف،

1. Shwartz

❖ آزمون t و آزمون دوجمله‌ای پرداخته می‌شود.

در پرسش‌نامه سه سؤال در مورد طراحی و تدوین سناریوی فرهنگی منتخب از جامعه نمونه فرهنگی کشور طرح شده و پاسخ‌دهی به سؤال‌ها با آزمون فرضیه‌ها مشخص می‌شود که در زیر به نتایج آن اشاره می‌شود:

سؤال ۱: در این سؤال پیش‌ران‌های کلیدی سناریوی فرهنگی، مورد آزمون قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

پیش‌ران کلیدی ۱. جمعیت بیش از ۱/۵ میلیاردی مسلمانان و جمعیت بیش از ۹۰ درصدی مسلمانان منطقه؛

پیش‌ران کلیدی ۲. احیای اسلام به‌عنوان جنبش وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سراسر جهان اسلام؛

پیش‌ران کلیدی ۳. الگوی مردم‌سالاری دینی جانشین دموکراسی غربی و تغییر رژیم‌های مرتجع، خودباخته و خودکامه منطقه؛

پیش‌ران کلیدی ۴. تقابل فرهنگی اسلام با فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب در سطح جهانی؛

پیش‌ران کلیدی ۵. تقابل اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکایی در سطح منطقه؛

پیش‌ران کلیدی ۶. تشکیل شبکه‌ها و سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام؛

پیش‌ران کلیدی ۷. بهره‌گیری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی و ذخایر عظیم منابع انرژی و معادن و نیروی انسانی جوان و تبدیل جهان اسلام به بلوک اقتصادی قوی و تأثیرگذار؛

پیش‌ران کلیدی ۸. نقش نظام سلطه به رهبری آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی در

تقابل با الگوی فرهنگی اسلامی.

فرضیهٔ جانبی ۱. هریک از پیش‌ران‌های کلیدی فوق در پیش‌بینی و شکل‌گیری سناریوهای فرهنگی جهان آینده مؤثر است.

از آنجایی که مؤلفه‌های این فرضیه دارای توزیع نرمال نیستند، برای بررسی فرضیهٔ فوق، از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده است. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۲.

دیدگاه‌های فرهنگی	نظرها	تعداد	مقدار آزمون نسبت	سطح معناداری	نتیجهٔ آزمون	میانگین رتبهٔ آزمون اولویت‌بندی فریدمن
پیش‌ران کلیدی ۱	کمتر از متوسط	۱۲۴	P=۰/۵	۰	تأیید	۶/۸۹
	بیش از متوسط	۳۲				
پیش‌ران کلیدی ۲	کمتر از متوسط	۱۲۰	P=۰/۵	۰	تأیید	۶/۶۵
	بیش از متوسط	۳۴				
پیش‌ران کلیدی ۳	کمتر از متوسط	۸۷	P=۰/۵	۰/۰۱	تأیید	۶/۲۳
	بیش از متوسط	۶۸				
پیش‌ران کلیدی ۴	کمتر از متوسط	۱۳۰	P=۰/۵	۰/۰۱	تأیید	۵/۴۳
	بیش از متوسط	۲۸				
پیش‌ران کلیدی ۵	کمتر از متوسط	۹۶	P=۰/۵	۰	تأیید	۴/۹۶
	بیش از متوسط	۶۲				
پیش‌ران کلیدی ۶	کمتر از متوسط	۱۳۳	P=۰/۵	۰/۰۲	تأیید	۵/۸۰
	بیش از متوسط	۲۵				
پیش‌ران کلیدی ۷	کمتر از متوسط	۱۰۴	P=۰/۵	۰	تأیید	۵/۹۵
	بیش از متوسط	۵۴				
پیش‌ران کلیدی ۸	کمتر از متوسط	۸۷	P=۰/۵	۰	تأیید	۵/۱۵
	بیش از متوسط	۷۲				

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری در جدول (۲) برای همهٔ کارکردها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد تمامی پیش‌ران‌های فوق

تأیید می‌شوند. اطلاعات ارائه شده در جدول (۲) نشان‌دهنده این امر است که اولویت‌بندی پیش‌ران کلیدی به ترتیب پیش‌ران ۱ با ۶/۸۹ و در نهایت پیش‌ران کلیدی ۵ با میانگین رتبه ۴/۹۶ می‌باشد.

سؤال ۲: این سؤال به دنبال شناسایی سناریوهای فرهنگی در تأثیر متقابل در روندهای بین‌المللی و عدم قطعیت‌های محتمل آینده پیش‌رو است. در این سؤال، پنج سناریوی فرهنگی مختلف موجود در جهان مورد آزمون قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

تقابل فرهنگی: برخورد بین تمدن‌ها؛

تبادل فرهنگی: جهان چندفرهنگی بر اساس جهان چندقطبی؛

تهاجم فرهنگی غرب: فرهنگ غرب با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و تکنولوژیک خود

به‌دنبال آن است که سایر فرهنگ‌ها را به‌عنوان خرده‌فرهنگ در فرهنگ خود جذب کند؛

تعامل فرهنگی: تغییر توازن قدرت میان تمدن‌ها؛

بیداری اسلامی: بیداری اسلامی منطقه‌ای و گسترش جهانی آن.

فرضیه جانبی ۲. هر کدام از سناریوهای محتمل فرهنگی در جهان آینده

تأثیرگذارند و سناریوی منتخب می‌تواند جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز

۲۰ساله را به قدرت اول و الگوی فرهنگی مناسب برای منطقه تبدیل کند.

از آنجایی که مؤلفه‌های این فرضیه دارای توزیع نرمال نیستند، برای بررسی فرضیه

فوق از آزمون دو جمله‌ای استفاده شده است. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۳.

سناریوهای محتمل	نظرها	تعداد	مقدار آزمون نسبت	سطح معناداری	نتیجه آزمون	میانگین رتبه (آزمون فریدمن)
تهاجم فرهنگی غرب	کمتر از متوسط	۳۸	P=۰/۵	۰	تأیید	۲/۶۵
	بیش از متوسط	۱۰۵				
تعامل فرهنگی	کمتر از متوسط	۱۹	P=۰/۵	۰	تأیید	۳/۱۶
	بیش از متوسط	۱۲۱				

ادامه جدول ۳.

سناریوهای محتمل	نظرها	تعداد	مقدار آزمون نسبت	سطح معناداری	نتیجه آزمون	میانگین رتبه (آزمون فریدمن)
بیداری اسلامی	کمتر از متوسط	۱۶	P=۰/۵	۰	تأیید	۳/۳۲
	بیش از متوسط	۱۲۶				
تقابل فرهنگی	کمتر از متوسط	۳۷	P=۰/۵	۰	تأیید	۲/۸۲
	بیش از متوسط	۱۰۵				
تبادل فرهنگی	کمتر از متوسط	۲۲	P=۰/۵	۰	تأیید	۳/۰۴
	بیش از متوسط	۱۲۱				

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری در جدول (۳) برای همه سناریوها کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد تمامی سناریوهای فوق تأیید می‌شوند. اطلاعات ارائه‌شده در جدول (۳) نشان‌دهنده این امر است که اولویت‌بندی سناریوهای مختلف به ترتیب «بیداری اسلامی» با میانگین رتبه ۳/۳۲ و در نهایت «تهاجم فرهنگی غرب» با میانگین رتبه ۲/۶۵ است.

سؤال سوم: این سؤال به دنبال بررسی تأثیر رویکردهای مختلف فرهنگی در تدوین راهبرد فرهنگ ملی است. در این سؤال شش رویکرد مختلف آزمون شده‌اند که عبارت‌اند از:

رویکرد تفاهم: دارا بودن قابلیت درک تغییر و تحول مؤلفه‌ها و موضوع‌های فرهنگی؛
 رویکرد تبادل: تبادل آراء، افکار و اندیشه‌های فرهنگی در یک محیط طبیعی با هدف بارور و کامل کردن فرهنگ ملی و با نگاه تکاملی به مؤلفه‌ها و سطوح فرهنگ با بهره‌گیری از ارزش‌ها به اندیشه‌های فرهنگ متقابل را تبادل فرهنگی گویند؛
 رویکرد تحول: فرهنگ، هم مولود انسان است و هم مولد آن؛

رویکرد تعامل: وجود تعامل میان فرهنگ‌ها باعث رشد و ارتقای فرهنگ‌ها می‌شود؛
 رویکرد تقابل: با وام‌گیری عناصر فرهنگ نیرومند یا هضم عناصر و ارزش‌های

بنیادین، خود فرهنگ مقابل حذف می شود؛

رویکرد تهاجم: دولت های نیرومند با استفاده از قدرت نظامی، ارزش های فرهنگ خود را بر فرهنگ های دیگر با استفاده از زور به جای اقناع تحمیل می کند.
فرضیه جانبی ۳. تأثیر رویکرد مورد نظر در تدوین راهبرد فرهنگ ملی، مهم و تأثیرگذار است.

از آنجایی که مؤلفه های این فرضیه دارای توزیع نرمال نمی باشند، برای بررسی فرضیه فوق، از آزمون دو جمله ای استفاده شده است. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۴.

رویکردهای فرهنگی	نظرها	تعداد	مقدار آزمون نسبت	سطح معناداری	نتیجه آزمون	میانگین رتبه آزمون اولویت بندی فریدمن
رویکرد تفاهم	کمتر از متوسط	۳۰	P=۰/۵	۰	تأیید	۴/۲۸
	بیش از متوسط	۱۲۶				
رویکرد تبادل	کمتر از متوسط	۵۴	P=۰/۵	۰	تأیید	۳/۶
	بیش از متوسط	۹۹				
رویکرد تحول	کمتر از متوسط	۵۴	P=۰/۵	۰	تأیید	۳/۵۸
	بیش از متوسط	۱۰۰				
رویکرد تعامل	کمتر از متوسط	۴۰	P=۰/۵	۰	تأیید	۴/۲۵
	بیش از متوسط	۱۱۸				
رویکرد تقابل	کمتر از متوسط	۹۷	P=۰/۵	۰/۸	رد	۲/۵۷
	بیش از متوسط	۵۱				
رویکرد تهاجم	کمتر از متوسط	۱۰۱	P=۰/۵	۰/۸	رد	۲/۷۲
	بیش از متوسط	۵۴				

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری در جدول (۴) برای رویکردهای تفاهم، تبادل، تحول و تعامل کوچک تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رویکردهای فوق تأیید می شود. اطلاعات ارائه شده در جدول (۴) نشان دهنده این امر است که اولویت بندی

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲
رویکردهای مختلف به ترتیب «رویکرد تفاهم» با میانگین رتبه ۴/۲۸ و در نهایت «رویکرد تقابل» با میانگین رتبه ۲/۵۷ است.

سناریوهای فرهنگی حاکم بر معادل‌های جهانی

در دنیای کنونی که سرعت تغییر و عوامل محیطی، تأثیر شگرفی بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های کشورها گذاشته، اتکا به پیش‌بینی‌ها و داشتن یک برنامه خاص برای آینده نمی‌تواند کشور را در برابر آینده‌ای که به‌طور مستمر در حال تغییر است، بیمه کند. سناریوپردازی، برنامه‌ریزی‌ای است که برای محیط‌های پیچیده‌ای که سرعت تغییر و عدم قطعیت‌ها در آنها بالاست، کاربرد دارد.

در انجام این نوع برنامه‌ریزی، سه اصل داشتن افق دید وسیع، دیدگاه چندگانه و تفکر از بیرون به درون وجود دارد. کشورها می‌توانند با بهبود درک تغییرهایی که می‌تواند آینده را شکل دهد و به‌کارگیری آنها برای ساخت راهبردهای ملی قوی‌تر به موفقیت بیشتری دست یابند.

پنج سناریوی فرهنگی آینده جهان

با بهره‌گیری از جامعه خبره فرهنگی و با حضور افراد متفاوت، از سازمان‌های مختلف پنج سناریوی مختلف فرهنگی سؤال شد. در مرحله اول بر عوامل و رویدادهای عمده پیش‌ران فرهنگی آینده جهان تا سال ۱۴۰۴ متمرکز شد. این عوامل شامل جمعیت‌شناسی کشورهای اسلامی احیای اسلام به‌عنوان جنبش وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سراسر جهان اسلام، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی و تغییر رژیم‌های مترجع، مستبد و وابسته، تقابل اسلام ناب محمدی^(ص) با اسلام آمریکایی و تقابل فرهنگ اسلام با فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب و منازعه و شناسایی روندها و تغییر فرهنگی منطقه و جهان بود. این

مطالعه‌ها پایه‌ای برای سناریورها بود که از گروه خبره فرهنگی سؤال شد.

پس از آن بر تعامل بین این پیش‌ران‌ها متمرکز شد. برای هر کدام از پنج سناریو تلاش شد تا موضوعی قابل پذیرش و مرتبط با سیاست‌ها نگاشته شود تا آینده‌های بدیل توصیف گردد.

در روش‌شناسی سناریوی فرهنگی از رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی استفاده شده است؛ از این رو پیش‌ران‌های کلیدی پنج سناریوی فرهنگی مورد توافق و تأیید جامعه خبرگان قرار گرفت که در اینجا از بیان دوباره آنها خودداری می‌شود.

در این بررسی سه نکته اصلی مورد توجه قرار گرفت:

۱. تنها یک روند یا پیش‌ران، تعیین‌کننده آینده فرهنگی جهان نیست؛
۲. هر پیش‌رانی دارای تأثیر متفاوتی در کشورها و مناطق مختلف است؛
۳. پیش‌ران‌ها الزاماً باعث تقویت یکدیگر نمی‌شوند و ممکن است دارای آثار متضاد و خشی‌کننده یکدیگر باشند.

در هر سناریو عدم اطمینان‌های کلیدی، ناپیوستگی‌های تاریخی و شگفتی‌سازها شناسایی شد و چالش‌های فرهنگی و سیاسی مربوط به آن مشخص شد.

سناریوی اول: چندفرهنگی (تبادل فرهنگی)

در این سناریو بر جنبه‌های مثبت مبادله فرهنگی بین کشورها تأکید می‌شود. سال‌های پس از جنگ سرد، دنیا شاهد ظهور تغییرهای چشمگیری در هویت‌ها و سمبل‌های آن بوده است. سیاست‌های جهانی، شروع به شکل‌گیری دوباره در امتداد خطوط فرهنگی کردند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مهم‌ترین وجه تمایز میان ملت‌ها، ایدئولوژی، سیاست یا اقتصاد نبود، بلکه تمایزهای فرهنگی بود. ملت‌ها می‌کوشیدند تا اساسی‌ترین سؤال انسانی را جواب دهند: «ما که هستیم؟» و

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

آنها امروز این سؤال را همان گونه که به طور سنتی وجود داشته، پاسخ می گویند. مردم خود را از لحاظ تمام چیزهایی که برای آنها معنا دارد، مانند وضعیت بومی (آب و اجدادی)، مذهب، زبان، تاریخ، ارزش ها، سنت ها و نهادها معنا می کنند و هویت خود را بر اساس گروه های فرهنگی شکل می دهند.

کشورها، بازیگران اصلی در روابط جهانی هستند و رفتار آنها مانند گذشته بر اساس قدرت، ثروت، اشتراک ها، تمایزهای فرهنگی و تفاوت شکل گرفته است. مهم ترین طبقه بندی کشورها، دیگر سه بلوک جنگ سرد نیست، بلکه هفت یا هشت تمدن اصلی جهان خواهد بود. جوامع غیرغربی، به ویژه آسیای شرقی با توسعه اقتصادی و ثروت در حال ایجاد یک توانایی نظامی قوی با نفوذ سیاسی هستند و همچنان که قدرت و اعتماد به نفسشان بیشتر و بیشتر می شود، ارزش های فرهنگی خود را مستحکم تر و ارزش های تحمیل شده توسط غرب را رد می کنند.

هنری کیسنجر (وزیر پیشین امور خارجه ایالات متحده آمریکا) می گوید: نظام بین المللی قرن بیست و یکم، حداقل شامل شش قدرت اصلی: آمریکا، اروپا، چین، ژاپن، روسیه و احتمالاً هندوستان به اضافه کشورهای متوسط و کوچک خواهد بود و شش قدرت اصلی به پنج تمدن متفاوت اختصاص خواهد داشت. به جز کشورهای فوق، کشورهای اسلامی مهمی نیز وجود دارند که موقعیت استراتژیک، جمعیت زیاد و منابع نفتی، آنها را در موقعیتی خاص در روابط جهانی قرار می دهد. در جهان جدید، سیاست های محلی، سیاست های بومی است و سیاست های جهانی، سیاست های تمدن هاست. تمدن ها جایگزین ابر قدرت ها شده اند.

تمدن ها با هم تفاوت دارند. امروز موضوع اصلی و کلیدی در دستور جلسه های بین المللی، تفاوت های تمدن هاست. قدرت غرب، برای زمانی طولانی مسلط بوده

است؛ اما این قدرت به سوی تمدن‌های غیرغربی تغییر جهت می‌دهد. سیاست‌های جهانی، چندقطبی و چندتمدنی شده است (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۴).

سناریوی دوم: تغییر توازن قدرت میان تمدن‌ها (تعامل فرهنگی)

در این سناریو بر جنبه‌های مثبت تعامل فرهنگی بین کشورها تأکید می‌شود. غرب هنوز قدرت شماره یک دنیاست و این قدرت را در قرن بیست و یکم، ادامه خواهد داد. در عین حال تغییرهای اساسی در توازن قدرت میان تمدن‌ها ظاهر خواهد شد. همان‌گونه که برتری غرب کاهش می‌یابد، قدرت بیشتری از دست می‌دهد و باقیمانده آن قدرت بر اساس منطقه‌ای، میان تمدن‌های اصلی و کشورهای آنان پخش می‌گردد. بارزترین افزایش قدرت در تمدن‌های آسیایی ظاهر خواهد شد. چین، به تدریج به مبارزه با غرب خواهد پرداخت و برتری جهانی به دست خواهد آورد. این تغییر جهت در قدرت، موجب تجدید حیات فرهنگی در جوامع غیرغربی و پذیرفته نشدن فرهنگ غرب است.

افول غرب، مراحل متفاوت دارد. طلوع قدرت غرب، ۴۰۰ سال به طول انجامید و افول آن می‌تواند همان قدر طولانی باشد. مطالعه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد برتری یا تسلط غرب بر جامعه بین‌المللی حدود قرن نوزدهم به اوج خود رسید. رشد اقتصادی و افزایش سایر توانایی‌ها، شروع آرام، سپس افزایش شدید و بعد از آن به سوی کاهش می‌رود تا به یکنواختی می‌رسد. افول سایر کشورها نیز همین‌گونه ظاهر شده است؛ همان‌طور که در اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد. ابتدا آرام و قبل از اینکه پایان یابد، به شدت افزایش یافت. افول غرب هنوز در مرحله اول و آرام است. افول در یک خط مستقیم پیش نمی‌رود و به نوعی نامنظم با توقف‌ها، معکوس‌ها و تأکیدهای مجدد همراه است که شعف غرب را تأیید می‌کند.

سناریوی سوم: بیداری اسلامی منطقه‌ای و گسترش جهانی آن

اسلام به‌عنوان بهترین راه‌حل است و سناریوی بیداری اسلامی، سناریوی منتخب جمهوری اسلامی است.

منطقه آسیای جنوب‌غربی و شمال آفریقا که منشأ ظهور و بروز همه انبیا و ادیان توحیدی و الهی است، طی قرن‌های گذشته تاکنون مورد حمله، تفرقه‌افکنی، زورگویی و جنگ‌افروزی زورگویان جهانی در دوران نظام دوقطبی حاکم بر جهان قرار گرفته و زائده خطرناک و مهلک ایجاد رژیم صهیونیستی در بین کشورهای منطقه، ارمغان این شیوه مدیریت جهانی بوده که حاصل آن عقب‌ماندگی جوامع ثروتمند اسلامی و آوارگی ملت مسلمان فلسطین شده است.

پیدایش انقلاب اسلامی ایران که موج نوینی در بیداری اسلامی مقاومت و استکبارستیزی جهانی و استبدادزدایی داخلی را ایجاد کرده، الگوی ارزشمندی را برای زیستن عزتمند مردم منطقه و جهان ارائه نموده است. موج دوم این بیداری اسلامی و مقاومت به اکثر کشورهای منطقه آسیای جنوب‌غربی و شمال آفریقا گسترش یافته و موجب بصیرت ملت‌ها و هوشیاری رهبران اجتماعی در این جوامع شده؛ به‌ویژه جنبش جوانان مسلمان، مرحله تازه‌ای از بیداری و مقاومت اجتماعی در مقابل نظام سلطه و وابستگان مستبد داخلی آنها به ارمغان آورده است؛ بنابراین در این پیچ تاریخی، مبانی معرفتی موج بیداری اسلامی و گسترش آن شکل گرفت تا این وعده تخلف‌ناپذیر الهی را که با تغییر و تحول و خودآگاهی، ملت‌ها را از چنگال بی‌رحم ستمگران و مستکبران جهانی نجات می‌دهد، محقق و موج سوم بیداری اسلامی در جهان پایه‌ریزی شود تا از این رهگذر پایه‌های قدرت زورگویانه جهانی به‌هم ریزد و نظم نوین عادلانه و اسلامی مبتنی بر فطرت انسانی، حق‌گرایی

و خداباوری انسان‌های آزاده در جهان پایه‌ریزی شود.

سناریوی چهارم: برخورد تمدن‌ها (تقابل فرهنگی)

این سناریو بر منطقه‌گرایی و رقابت منطقه‌ای تأکید دارد.

در جهان در حال ظهور، روابط میان کشورها و گروه‌ها از تمدن‌های مختلف، نه تنها نزدیک نخواهد بود، بلکه همراه با خصومت و درگیری است. در سطح کوچک، بیشترین خشونت‌های مرزی میان اسلام و همسایگان ارتدکس، هندو، آفریقایی و مسیحیت غربی و در سطح بزرگ‌تر، میان غرب و دیگران است. وقوع این درگیری‌ها، میان جوامع آسیایی و مسلمان از یک‌سو و غرب از سوی دیگر خواهد بود. درگیری‌های خطرناک آینده، احتمالاً از واکنش خودبینانه غرب، سرسختی مسلمانان و تأیید قاطع سینیک‌ها (چینی‌ها) به وجود خواهد آمد.

غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا همیشه ملتی مبلّغ بوده و بر این باور است که مردمان غیرغربی باید خود را به ارزش‌های دموکراسی غربی، بازار آزاد، دولت محدود، حقوق بشر، استقلال فردی و حکم قانون متعهد کنند و این ارزش‌ها را در نهادی‌های خود جای دهند. اقلیت‌ها در تمدن‌های دیگر، این ارزش‌ها را باور داشته و آنها را ترویج می‌کنند؛ اما طرز تلقی در جوامع غیرغربی متغیر است. آنچه برای غرب جهان‌گرایی است، برای دیگران امپریالیسم می‌باشد.

غرب در تلاش است تا موقعیت چیره و برتر خویش را حفظ و منافع خود را به‌عنوان منافع جامعه جهانی حمایت کند؛ همچنین واژه جهان آزاد را با جامعه جهانی جایگزین سازد و به آن مشروعیت جهانی دهد. غرب در تلاش است تا اقتصاد جوامع غیرغربی را در نظام اقتصاد جهانی تلفیق کند و خود بر آن تسلط داشته باشد. غرب از طریق نهادهای اقتصادی و مالی، منافع اقتصادی خود را توسعه

می‌دهد و آنها را به دیگر ملت‌ها تحمیل می‌کند، قوانین غیردموکراتیک را نیز تحمیل و آزادی اقتصادی را خفه می‌کند (Huntington, 1996: 168).

اسلام و چین دارای سنت‌های فرهنگی بسیار غنی و متفاوت با غرب هستند که از دید خودشان بسیار برتر است. قدرت و اعتمادبه‌نفس هر دو فرهنگ در مورد غرب رو به افزایش است و درگیری میان ارزش‌ها و منافع آنان با غرب در حال تشدید است؛ به دلیل آنکه اسلام فاقد یک کشور مرکزی است، روابطش با غرب از دیگر کشورها متفاوت است و از دهه ۱۹۷۰ گرایشی به نسبت مداوم و ضدغربی داشته است. با ظهور بنیادگراها تغییر قدرت میان ممالک اسلامی از غربی به ضدغربی تغییر جهت داد. ظهور شبه‌جنگ‌ها میان بعضی گروه‌های اسلامی و غربی، نتیجه ضعف پیوندهای امنیتی بعد از جنگ سرد است. مسئله اصلی نقشی است که تمدن‌ها در شکل‌گیری آینده جهان دارند. آیا نهادهای جهانی، توزیع قدرت، سیاست‌ها و اقتصاد ملت‌ها در قرن ۲۱ نمایانگر ارزش‌ها و علایق غرب خواهد بود؟ آیا آنها به وسیله اسلام و چین شکل خواهد گرفت؟ (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۵۷).

سناریوی پنجم: تهاجم فرهنگی غرب

این سناریو بر منطقه‌گرایی و رقابت منطقه‌ای تأکید دارد.

درگیری‌های تمدنی دو شکل به‌خود می‌گیرند. در سطح محلی یا کوچک؛ درگیری‌های خطاگونه مرزی میان کشورهای همسایه با تمدن‌های متفاوت و گروه‌های داخل یک مملکت یا بین گروه‌هایی مانند اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی سابق که می‌خواهند از خرابه‌های قدیم، ممالک تازه‌ای بسازند، درگیری‌های خطاگونه مرزی به‌ویژه میان مسلمانان و غیرمسلمانان رایج است. در سطح وسیع‌تر و جهانی؛ این درگیری‌ها میان کشورهای مرکزی از تمدن‌های متفاوت

به وجود می آید. هرچند تفاوت های فرهنگی، درگیری ها را شدت می بخشد، کشورهای مرکزی به قدرت از نیروی نظامی علیه یکدیگر استفاده می کنند. جنگ در کشورهای مرکزی می تواند از بالا گرفتن درگیری های خطاگونه مرزی یا در نتیجه تغییر توازن قدرت میان تمدن ها به وجود آید. در حالی که فرصت طلبی ممکن است از ویژگی های تمدن های آسیایی باشد، ولی افزایش قدرت چین می تواند در کشورهای دیگر تمدن ها مانند ایالات متحده آمریکا، هندوستان و روسیه توازن به وجود آورد. در نیمه دوم قرن بیستم، پویایی اسلام منبع درگیری های خطاگونه مرزی بوده و بالا گرفتن قدرت چین می تواند یک منبع بالقوه در جنگ های تمدنی و کشورهای مرکزی آن تمدن ها باشد.

بعضی از غربی ها معتقدند که غرب با اسلام مشکلی ندارد. نه تنها مشکل، بنیادگرای افراطی هستند، طی تاریخ روابط میان اسلام و مسیحیت غالباً ناسازگار بوده است. در قرن بیستم درگیری میان دموکراسی آزاد و مارکسیسم - لنینیسم یک پدیده تاریخی زودگذر بود. در زمان هایی همکاری مسالمت آمیز میان اسلام و مسیحیت وجود داشته و در زمان هایی از تاریخ، شدت و ضعف روابط و رقابت ها متغیر بوده است.

برای هزاران سال، اروپا مورد تهدید دائم از طرف اسلام بوده است. اسلام تنها تمدنی است که بقای غرب را مورد تردید قرار داده است.

در درگیری های تمدنی، برخلاف درگیری های ایدئولوژیکی، دوستان نزدیک در کنار یکدیگر ایستادگی می کنند. مشکل اصلی غرب این است که اسلام، تمدنی متفاوت است که مردم آن به برتری فرهنگشان معتقد و به ضعف قدرتشان واقف می باشند. مشکل اسلام، سازمان سیا یا وزارت دفاع آمریکا نیست، بلکه غرب به عنوان تمدنی متفاوت است که مردم آن به فرهنگ جهانی معتقدند و باور دارند که می توانند فرهنگ خود را در سراسر جهان اشاعه دهند. این مسائل درگیری های میان اسلام و غرب را دامن می زنند.

نتیجه‌گیری

بین پیش‌ران‌های کلیدی موجود و سناریوهای مختلف مطالعه‌های مختلفی صورت گرفت و میزان نقش و تأثیرگذاری هرکدام از پیش‌ران‌های کلیدی در هر سناریو به‌دقت مشخص شد تا رفتارها نیز مشخص شود.

نقش تحول فرهنگی در جهان آینده و تأثیر آن بر سایر بخش‌های اجتماعی، سیاسی روشن شد بر همین اساس وجوه تشابه و تمایز بین پنج سناریو در نگاه جامع و کلان می‌تواند به قرار زیر باشد:

هر پنج سناریو را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد:

گروه اول: سناریوهایی که آثار مثبت و منفی سیاست‌های جهانی آینده را که سیاست‌های فرهنگی است و تمدن‌ها جایگزین ابرقدرت‌ها می‌شود، نمایش می‌دهد. گروه دوم: سناریوهایی که در آنها به دلیل افزایش رقابت در جهان آینده، فرهنگ‌های متفاوت و رقابت بین فرهنگ‌ها تشدید و تأثیر متقابل بر همدیگر دارند و با یکدیگر سازگاری می‌کنند، نمایش می‌دهد.

در تمامی سناریوها و در سناریوی اول و دوم به‌صورت خاص تبادل فرهنگ‌ها و جهانی شدن فرهنگ در تمامی جهان گسترش می‌یابد. ولی در سناریوی چهارم و پنجم اختلاف‌ها تشدید و باعث افزایش درگیری‌ها و شکاف در جهان می‌شود. در سناریوی سوم به‌جز منطقه‌گرایی تأثیر عمیقی بر فرهنگ جهانی دارد.

در تمامی پنج سناریو، کشورها با رشد جمعیت و آثار مثبت آن روبرو می‌شوند، تنوع و تکثر فرهنگی بیشتری به‌وجود می‌آید، دامنه اختلاف مذهبی افزایش می‌یابد و تجدید حیات مذهب فزونی می‌یابد.

در تمامی پنج سناریو، اسلام به‌عنوان جنبش وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی،

نسبت به گذشته از رشد چشمگیری برخوردار است و در سناریوهای چهارم و پنجم مخالفت‌ها نیز بیشتر از گذشته فزونی می‌یابد. اسلام ابتدا از قلمرو فرهنگی شروع می‌شود؛ سپس قلمرو سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. در تمامی پنج سناریو، جستجو برای هویت از پایین‌ترین سطح جامعه، مؤثرترین راه برای ایجاد هویت جهانی است که معنای خود را گم کرده و معنویت اخلاق و کسب هویت‌های انسانی از رشد چشمگیرتری برخوردار هستند. در تمامی سناریوها، تأثیر فرهنگ غرب و هژمونی آمریکا رو به کاهش است.

جدول ۵. رفتارهای متفاوت در سناریوهای مختلف: تفاوت در سناریوها

تهاجم فرهنگی غرب	برخورد تمدن‌ها	بیداری اسلامی	تغییر توازن قدرت میان تمدن‌ها	چندفرهنگی	
افزایش جمعیت از رشد متوسط برخوردار است و جامعه جهانی به بخش دارا و ندار، فقیر و غنی تقسیم می‌شود.	افزایش جمعیت جهان به دلیل شرایط خاص فرهنگی افزایش چشمگیری ندارد و علت آن رکود اقتصادی و ترس و اضطراب و ناامنی جهانی است.	افزایش جمعیت از ۵/۱ میلیارد مسلمان به بیش از ۲ میلیارد افزایش می‌یابد که این امر به‌واسطه رشد اقتصادی و ذخایر و منابع بالقوه کشورهای اسلامی است.	افزایش جمعیت در جهان سیر طبیعی خود را طی می‌کند. با توجه به تنوع و تکثر فرهنگ و تمدن‌ها رشد جمعیت نیز متمایز از یکدیگر است.	افزایش جمعیت فزونی می‌یابد؛ ولی فشارهای ناشی از رشد جمعیت کاهش می‌یابد و این امر به‌واسطه تنوع و تکثر فرهنگی است.	جمعیت
تلاش فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غرب به‌عنوان فرهنگ هژمون بیشتر طرح می‌شود و تلاش می‌کند که سایر خرده‌فرهنگ‌ها را در خود استحاله کند.	اسلام در بیشتر کشورهای مسلمان از انسجام، وحدت و هم‌گرایی بیشتری برخوردار می‌شود، اما بین سایر فرهنگ‌ها چهره‌ای خشن از آن معرفی می‌کنند.	اسلام بهترین راه‌حل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی شناخته می‌شود و به‌جز اینکه تمامی مسلمانان جهان اسلام به سمت آموزه‌های اسلامی تمایل شدید پیدا می‌کنند، سایر مذاهب نیز تحت‌تأثیر عمیق آن قرار می‌گیرند.	احیا و رشد دوباره اسلام در میان تمدن‌های دیگر از رشد بهتری برخوردار است و غنای فرهنگی، پاسخگویی به نیاز بشر امروز به معنویت با استقبال بهتری روبرو می‌شود.	تجدید حیات مذهب در جهان فرهنگی از رشد مطلوب برخوردار است و انسان‌های آزاد و دارای فطرت پاک انسانی، بیشتر به اسلام گرایش پیدا می‌کنند. در جهان مسیحی، اسلام رشد بیشتری می‌کند، ولی در آیین‌های کنفوسیوس رشد آن کمتر است.	احیای اسلام به‌عنوان جنبش وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

ادامهٔ جدول ۵. رفتارهای متفاوت در سناریوهای مختلف: تفاوت در سناریوها

❖ سال چهاردهم، شمارهٔ بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

تهاجم فرهنگی غرب	برخورد تمدن‌ها	بیداری اسلامی	تغییر توازن قدرت میان تمدن‌ها	چند فرهنگی	
الگوی مردم‌سالاری اسلامی مورد تهاجم همه‌جانبه قرار می‌گیرد و الگوی دموکراسی غربی به‌عنوان بهترین الگو توسط فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غرب بر فرهنگ‌های دیگر دیکته می‌شود.	الگوی مردم‌سالاری اسلامی محدود می‌شود و تلاش فراوانی صورت می‌گیرد تا دوباره دموکراسی غربی بر دنیا سيطرة مجدد یابد.	الگوی مردم‌سالاری اسلامی جایگزین قطعی دموکراسی غربی در جهان اسلام می‌شود و تأثیرات مهم و الهام‌بخشی بر سایر نظام‌های حکومتی جهان دارد.	دموکراسی غربی از جلوهٔ کمتری برخوردار می‌شود و تلاش می‌نماید ضعف‌ها و اشکال ساختاری و رفتاری خود را ترمیم کند؛ ولی الگوی مردم‌سالاری اسلامی در جوامع اسلامی نهادینه می‌شود و باعث الهام‌بخشی فرهنگ‌های دیگر می‌شود.	این الگو به‌عنوان الگوی برتر و واقعی که نماد مشروعیت و مقبولیت جوامع انسانی است، از شتاب فزاینده‌ای برخوردار می‌شود.	الگوی مردم‌سالاری دینی جانشین دموکراسی غربی
فرهنگ غربی با همه توان و ظرفیت به سمت تضعیف فرهنگ اسلامی می‌رود.	برخورد بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غربی بیشتر از گذشته تشدید می‌شود.	فرهنگ اسلامی در جهان اسلام فرهنگ مسلط می‌شود و بر سایر فرهنگ‌های دیگر تأثیر عمیق برجای می‌گذارد.	فرهنگ اسلامی نفوذ عمیق‌تری نسبت به فرهنگ لیبرال‌دموکراسی در سایر فرهنگ‌ها پیدا می‌کند؛ زیرا معنویت آن برای جوامع انسانی از جذابیت بیشتری برخوردار است.	تقابل بین فرهنگ و تمدن اسلامی و فرهنگ لیبرال‌دموکراسی تشدید می‌شود و هر دو فرهنگ تلاش می‌کنند فرهنگ‌های دیگر را متأثر سازند.	تقابل فرهنگ اسلامی با فرهنگی لیبرال‌دموکراسی غرب
فرهنگ غربی با اندیشهٔ افراطی و تکفیری به یک زیست مسالمت‌آمیز و همکاری و هم‌گرایی بیشتر می‌رسد و فرهنگ اسلام ناب را به‌صورت مشترک مورد تهاجم خود قرار می‌دهند.	فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غرب جریان‌های تکفیری را برای منافع خود به‌کار می‌گیرد و به انزوا کشاندن اسلام ناب محمدی(ص) را در دستور خود قرار می‌دهد.	تقابل بین دو تفکر سلفی و تکفیری و وهابی با اسلام ناب محمدی(ص) به اوج خود می‌رسد.	اندیشه‌های افراطی و رادیکالیسم به‌تدریج مورد تفر فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گیرد، ولی اندیشه‌های ناب اسلامی به دلیل عقلانیت، عدالت‌خواهی و معنویت مورد استقبال فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گیرد.	تفکر افراطی و رادیکال و اندیشه‌های وهابی و سلفی تلاش بیشتر می‌کنند که دامنهٔ حضور و نفوذ خود را گسترش دهند؛ ولی اندیشهٔ اسلام ناب توان تأثیرپذیری بیشتری بر جوامع انسانی دارد.	تقابل اسلام ناب با اسلام آمریکایی

ادامه جدول ۵. رفتارهای متفاوت در سناریوهای مختلف: تفاوت در سناریوها

تهاجم فرهنگی غرب	برخورد تمدن‌ها	بیداری اسلامی	تغییر توازن قدرت میان تمدن‌ها	چند فرهنگی	
این شبکه‌ها در غرب نسبت به استحاله سازمان‌ها و شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی سایر ملل اقدام می‌کند.	برای این شبکه‌ها محدودیت جدی ایجاد می‌شود.	این شبکه‌ها در جهان اسلام از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار می‌شود و به سایر نقاط و فرهنگ‌های دیگر نیز بسط و توسعه می‌یابد.	این شبکه‌ها در بین تمدن‌های مختلف گسترش چشمگیری پیدا می‌کند و سطح همکاری بین دولت‌ها و ملت‌ها بیشتر از گذشته می‌شود.	این شبکه‌ها در سطح جهانی گسترش بیشتری می‌یابد و مبادله‌های فرهنگی از سطح دولت‌ها به سمت مؤسسه‌های مردم‌نهاد توسعه می‌یابد.	تشکیل شبکه‌ها و سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی
غرب به رهبری آمریکا تلاش می‌کند رهبری جهانی و قدرت اقتصادی خود فزونی بخشد، افزایش آزادسازی تجاری، پذیرش گسترده اصلاح بازار، انتشار سریع تکنولوژی و اطلاعات و فقدان درگیری‌های شدید به رشد اقتصادی جهانی منجر می‌شود.	کاهش رشد اقتصادی در کشورهای بزرگ به یک رکورد منجر می‌شود و مدل‌های اقتصادی آنان آسیب‌پذیر می‌شود و این کشورها را از جهان جدا می‌سازد.	در کشورهای اسلامی قدرت‌های اقتصادی جدیدی ظهور پیدا می‌کند و همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای در بین کشورهای اسلامی بیشتر از گذشته می‌شود.	بازارهای نوظهور هدف کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند. سایر کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای ثروتمند و نهادهای جهانی ضعیف، نادیده گرفته می‌شوند.	بازارهای نوظهور، یعنی چین و هند و برزیل و کشورهای اسلامی گروه D8 و بسیاری کشورهای در حال توسعه از مبادله‌های اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و تعدادی از دولت‌های آفریقایی، غرب آسیا و آسیای مرکزی کمتر بهره‌مند می‌شوند.	بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع اقتصادی
فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غرب تلاش فراوانی می‌کند که خود را حفظ کند و بر فرهنگ‌های دیگر مسلط شود و آنها را در فرهنگ خود استحاله کند.	تقابل فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غربی با سایر فرهنگ‌ها شدید می‌شود فرهنگ هژمون غرب به افول می‌رود.	اسلام سیاسی رشد قابل توجهی می‌یابد، آمریکا تلاش می‌کند که از رشد بیداری اسلامی به هر نحو ممکن جلوگیری کند.	با تمرکز آمریکا بر نیم‌کره غربی و کاهش حضور این کشور در اروپا و آسیا، چین در صدد برتری یافتن بر منطقه برمی‌آید.	تغییر فرهنگی به بیگانگی آمریکا، اروپا منجر می‌شود. هویت‌های ملی سنتی و رقیب در آسیا بر ملی‌گرایی تأکید می‌ورزد.	نقش نظام سلطه به رهبری آمریکا

حال با بررسی منطقی و رفتارهای متفاوت در سناریوهای مختلف و تجزیه و

تحلیل نظرهای اسنادی و میدانی خبرگان و صاحب‌نظران به معرفی سناریوی

منتخب پرداخته می‌شود:

معرفی سناریوی منتخب

بیداری اسلامی منطقه‌ای و گسترش جهانی آن

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

تمایل روزافزون مسلمانان در بازگشت به هویت اسلامی خویش پس از جنگ جهانی اول و تقسیم کشورهای اسلامی بین دولت‌های اروپایی، موج اول بیداری اسلامی را با حرکت مجاهدگونه سیدجمال‌الدین اسدآبادی و رهبران دیگر آن در ایران، مصر، الجزایر، لیبی و سایر بلاد اسلامی توسعه داد. با پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، موج دوم بیداری اسلامی پدیدار شد.

تأثیر عمیق انقلاب اسلامی بر آگاه‌سازی مردم جهان اسلام برای حفظ هویت و فرهنگ خود موج بیداری اسلامی را با تحول سیاسی در معادله‌های منطقه‌ای در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه به اوج خود رساند و هیمنه شکست‌ناپذیری اسرائیل و غرب را به چالش جدی کشاند؛ به‌گونه‌ای که جهان اسلام به سمت بازآفرینی هویت اسلامی به‌عنوان راه جدید بیداری اسلامی گام برداشت. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنبش بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و جهش توأم با عمق فکری و فرهنگی را در جغرافیای جهان اسلام به‌ویژه میان توده‌ها و لایه‌های خفته جوامع اسلامی به‌وجود آورد؛ به‌گونه‌ای که بیداری اسلامی از حالت دفاع انفعالی خارج و در موضع تهاجم فکری و رفتاری قرار گرفت و در اشکال جریان‌ها و نهادهای سیاسی و حتی جنبش‌های مقاومت پدیدار شد. بنا به فرموده مقام معظم رهبری (۱۳۹۰): «این بیداری، یکی از تجربه‌های بسیار مهم و ارزشمند تاریخ اسلام است که می‌تواند برای مدت‌های طولانی، مسیر تاریخ امت اسلام و این منطقه را تعیین نماید.»

احیای اصول و پیاده‌سازی ارزش‌ها و اهداف اسلامی و توجه مردم مسلمان منطقه به فرهنگ، دین، معنویت، خداآوری و کارکرد آن در شکل مردم‌سالاری دینی

و با مدیریت جنبش‌ها، جریان‌های سیاسی و مقاومت، معادله قدرت در روابط بین‌المللی را دچار تحول کرده و در حال سامان دادن به معادله جدیدی است که تعارض با معادله تعریف‌شده از سوی لیبرال‌دموکراسی به محوریت غرب است.

احیای اسلام یک جنبش وسیع اجتماعی، فرهنگی و حرکتی سیاسی در سراسر جهان اسلام است. بنیادگرایان اسلامی که عموماً به‌عنوان اسلام سیاسی مطرح شده‌اند، فقط بخشی از احیای بسیار وسیع‌تر عقاید، روش‌ها و تعهدهای اسلام است. تجدید حیات مذهب، یک بیداری در زندگی فردی است.

این تجدید حیات بر تمامی مردم کشورها و جوامع اسلامی اثر گذاشته است جان - ال - اسپوزیتو در کتاب *تهدید اسلامی* می‌گوید، توجه به مراسم مذهبی، گردهمایی در مساجد، نماز، روزه، گسترش برنامه‌ها و نشریه‌های مذهبی، پوشش‌های اسلامی، ارزش‌ها و تجدید حیات عرفان در زندگی عمومی دنبال می‌شود که در سطح وسیع‌تر، نهادها، دولت‌ها، سازمان‌ها، قوانین، بانک‌ها و مؤسسه‌های آموزشی را دربر می‌گیرد. اکثر حاکمان و دولت‌ها، از جمله دولت‌های غیراسلامی مانند ترکیه و تونس از قدرت بالقوه اسلام آگاه شده‌اند و نسبت به روش‌های اسلامی حساسیت بسیار نشان می‌دهند (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۶۳). بنابراین مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «... یک نکته کلیدی و اساسی دیگر و آن نهضت بیداری اسلامی است. این حرکت عظیم که بی‌گمان می‌تواند به ایجاد یک مجموعه مقتدر، پیشرفته و منسجم اسلامی در این نقطه حساس جهان منتهی شود، نقطه پایان بر دوران عقب‌ماندگی، ضعف و حقارت مسلمان بگذارد» (بیانات مقام معظم رهبری در پنجمین اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۰/۰۷/۰۹).

تجدید حیات مذهب در تمامی جوامع اسلامی لمس شده و تعهد و حمایت‌های بی‌شماری میان ۱ میلیارد نفر مسلمان از مراکش تا اندونزی و از نیجریه تا قزاقستان

را دربر گرفته است. اسلام‌گرایی، ابتدا از قلمرو فرهنگی شروع و سپس به‌سوی قلمرو سیاسی و اجتماعی می‌رود. روشنفکران و رهبران سیاسی، نه می‌توانند آن‌را نادیده گیرند و نه می‌توانند از آن دوری کنند.

درحالی‌که جنبش‌های دموکراتیک در اروپای جنوبی، آمریکای لاتین، اطراف آسیای شرقی و اروپای مرکزی قدرت می‌گرفتند، جنبش‌های اسلامی هم‌زمان در کشورهای مسلمان قدرت گرفتند. اسلام، جانشین دموکراسی در جوامع اسلامی بود. بسیج عمومی، تغییر رژیم‌های خودمختار و تغییر عوامل بین‌المللی از جمله افزایش بهای نفت در جهان، به اسلام‌گراها نیروی تازه بخشید. پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان، رژیم کمونیسم در لهستان و امام خمینی^(ه) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، رژیم شاه را در ایران پایان داد.

احیای اسلام همانند سایر جنبش‌ها، همراه با اصلاح‌گرایی بوده و میراث درخور توجهی به‌جای خواهد گذاشت و مسلمانان از اشتراک‌های خود با دیگران آگاهی بیشتری خواهند یافت. نسل جدید رهبران که رهبری جمعیت انبوهی از جوانان مسلمان را به‌عهده می‌گیرند، بیشتر از پیشینیان خود متعهد به اسلام خواهند بود. احیای اسلام، شبکه‌ای از سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - اسلامی در جامعه و برای آیندگان به‌جا خواهد گذاشت و نشان خواهد داد که اسلام، راه‌حل مسائل اخلاقی، عقب‌گرایی اقتصادی و ضعف نظامی نیست. این ضعف‌ها می‌توانند تصویری غیرواقعی از اسلام سیاسی پدید آورند.

از طرف دیگر، اگر مالزی و اندونزی توسعه اقتصادی خود را ادامه دهند، ممکن است آنها یک الگوی اسلامی برای توسعه فراهم سازند تا با الگوهای غرب و آسیا رقابت کند (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۲۱۱)؛ بنابراین در این موضوع است که مقام معظم رهبری بارها تأکید دارند:

دنيا در يك پيچ تاريخي است، ملت عزيز ما، ملت هاي مسلمان، امت عظيم اسلامي مي توانند نقش ايفا کنند، اينجاست که اسلام، تعاليم اسلام، روش اسلام به کار مردم دنيا مي آيد و اينجاست که نظام جمهوري اسلامي ايران مي تواند الگوي بودن خودش را براي همه مردم دنيا اثبات کند.

يا در جايي ديگر معظم له مي فرمايند:

شرایط مهمی بر دنيا حاکم است که اينها مي تواند فرصت هاي بزرگي را پيش روي ما قرار دهد. اين فرصت ها را اگر نبنيم، نشناسيم، از آن درست استفاده نکنيم و اگر بهنگام به سراغ اين فرصت ها نرويم، ضرر خواهيم کرد (۱۳۹۰).

از طرف ديگر، مردم فقط با دليل و برهان زندگي نمي کنند. مردم تا زماني که به معني خود نرسیده باشند، نمي توانند به طور منطقي و عقلائي در مورد علايق شخصي عمل کنند. علايق سياسي، فقط هويت هاي پيش فرضي ارائه مي دهد. در زمان هاي که تغيير سريع اجتماعي به وجود مي آيد، هويت هاي ساخته شده از قبل از بين مي روند و خود بايد از نو معني گردد تا هويت جديد به وجود آيد. در اين روند، هويت هاي تاريخي خود را دوباره بازمي شناسند يا هويتي جديد خلق مي کنند.

جستجو براي هويت، از پايين ترين سطح جامعه، مؤثرترين راه براي ايجاد يك هويت جهاني است که معنای خود را گم کرده است. جنبش هاي اسلامي در تجديد حيات مذهب مخالفتي با شهرنشيني، صنعتي شدن، مدرنيسم، سرمايه داري و علم و فناوري ندارند؛ زيرا علم و فناوري، تغيير گريزناپذير در سبک و روش زندگي به وجود مي آورند. امروز بحث بر اين است که نه ناسيوناليسم و نه سوسياليسم، پيشرفتي در جهان اسلام به وجود نياورده است. يك اسلام پاک و منزّه مي تواند نقشي حساس در جهان معاصر داشته باشد. مذهب، با توسعه و پيشرفت در تضاد

نیست و برای افراد تحصیل کرده که در پی مشاغل حرفه‌ای و تخصصی در سازمان‌های دولتی یا تجاری هستند، مدرنیسم جذبه بسیار دارد.

تأیید اسلامی، تکذیب نفوذ غرب بر جامعه، سیاست‌ها و اخلاق است و این تجدید حیات مذهب در رد مدرنیسم نیست، بلکه پذیرفته نشدن فرهنگ رو به زوال غرب است که مسمومیت غربی نام گرفته و یک اعلامیه استقلال فرهنگی است، یک بیانیه پرافتخار که ما مدرن خواهیم بود؛ اما غربی نخواهیم شد (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۲۶۶).

کسب استقلال و آزادی و تعیین سرنوشت به دست خود مردم، رهایی از ظلم و ستم، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تشدید روحیه ضدصهیونیستی، رهایی از تحقیر تاریخی، تقویت روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی، دخالت نکردن بیگانگان تا زمینه‌سازی برای تشکیل امت واحد اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی بر پایه دین، عقلانیت، اخلاق و حضور توده‌های میلیونی از ویژگی‌ها و شاخص‌های موج سوم بیداری اسلامی است؛ از این روست که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

امروز روزی است که ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خودشان برمی‌گردند و این تجربه‌ای است که امروز در کشورهای اسلامی تحقق پیدا کرده و بیداری اسلامی منجر به حضور مردم در عرصه سرنوشت خود شده یکی از تجربه‌های بسیار مهم و ارزشمند تاریخ اسلام است (۱۳۹۰).

رشد فراگیر و شتابنده بیداری اسلامی، تقابل فرهنگ و معنویت اسلامی با فرهنگ لیبرال‌دموکراسی غرب، حفظ و احیای هویت اسلامی در مقابل بی‌هویتی فرهنگی، تعامل ارائه الگوی مردم‌سالاری اسلامی با الگوی دموکراسی غرب و تقابل اسلام آمریکایی با اسلام ناب محمدی^(ص) و ایجاد تفکر و انسجام امت اسلامی در مقابل الگوهای لیبرال‌دموکراسی غرب، سکولاریسم و تفکر ناسیونالیستی از چالش‌های

اساسی‌ای است که بیداری اسلامی به‌عنوان سناریوی جدید در دهه آینده پیش‌روی امت اسلامی قرار داده است.

در همین زمینه هانتینگتون چنین می‌گوید:

درحالی‌که آسیایی‌ها بر توسعه اقتصادی خود تأکید می‌کنند، مسلمانان به‌گونه‌ای چشمگیر به‌سوی هویت اسلامی می‌روند و تأکید دارند اسلام راه‌حل است. احیای اسلامی، تلاشی برای یافتن راه‌حل، نه در ایدئولوژی غربی، بلکه در اسلام مدرن است که فرهنگ غربی را رد می‌کند و تعهد به اسلام را راهنمای زندگی در جهان مدرن می‌داند (۱۳۸۰: ۲۱۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- باندگرن مانس، باند هولده هانس، (۱۳۸۶). *طراحی سناریو*، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۰/۰۳/۱۴) در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در <http://www.khamenei.ir/bayanat/>
- بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۷۰/۰۲/۰۳). در دیدار نمایندگان فرهنگی ایران در خارج از کشور در <http://www.khamenei.ir/bayanat/>
- بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۸۷/۰۷/۰۳). در دیدار با برگزیدگان المپیادهای علمی و کنکور سراسری در <http://www.khamenei.ir/bayanat/>
- بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۶۹/۰۱/۱۰). در خطبه‌های نماز جمعه در <http://www.khamenei.ir/bayanat/>
- بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۸۷/۰۲/۱۸). در دیدار با مسئولان اجرایی استان فارس در <http://www.khamenei.ir/bayanat/>
- حضرت امام خمینی (ره)، (۱۳۶۰/۰۶/۳۱). *صحیفه نور*، جلد ۱۵، ۱۶۰ سخنرانی به مناسبت آغاز سال تحصیلی. خاتمی، سیداحمد، (۱۳۸۶). *مظلومیت فرهنگ و چاره‌جویی آن در* www.pasdar.aslam.12384
- ربانی، رسول و یعقوب احمدی، (۱۳۸۴). «جهانی‌شدن و آینده فرهنگ‌های بومی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۱۷: ۸۵.
- رضایی میر قاید، محسن و علی مبینی دهکردی، (۱۳۸۶). *ایران در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلیمی، حسین، (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن و حقوق بشر*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شارپ بیل، وندرهدین کیس، (۱۳۹۱). *سناریوها برای کسب موفقیت تبدیل ادارک به اقدام*، تهران: شرکت پیشروی قائد. شوارتز پیتر، هنر دورنگری، (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت*، ترجمه عزیز علی‌زاده، چاپ اول، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
- علی‌زاده وحیدی مطلق، ناظم، (۱۳۸۷). *سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریو*، مؤسسه بین‌الملل انرژی، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، اصول دوم و سوم فصل اول، تهران: دوران.

- ❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲
- گوده میشل، ژوزف کوتز و کاترین رادرفورد، (۱۳۹۱). *آفرینش آینده‌ها: سناریو، ابزار مدیریت راهبردی، اکونومیکا*، ترجمه محمدرضا سرکارآرانی و مریم داداش‌زاده.
- مبینی‌دهکردی، عبدالله، (۱۳۹۰). «تدوین راهبردهای تحقق اهداف فرهنگی در افق چشم‌انداز»، رساله دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
- ملکی‌فر، عقیل، وحید و وحید مطلق، (۱۳۸۴). *نواندیشی برای هزار نوین*، تهران: عصر معاصر.
- وحیدی مطلق، وحید، (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی پابرجا برای یک قرن: رویکردی نو در برنامه‌ریزی استراتژیک برای صد سال آینده*، تهران: آصف.
- هانتینگتون، ساموئل پ، (۱۳۸۰). *تمدن‌ها و باسازی نظام جهانی*، ترجمه مینو احمدسرتیب، تهران: کتاب‌سرا.
- هیدن، کیس وندر، (۱۳۸۹). *سناریوها هنر گفتگوی راهبردی*، ترجمه مسعود منزوی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

Huntington, Samuel,P, (1996). *the Clash of Civilzations and the Remarking Of World Order*. newyork: Simon Shuster.

List, Dennis, (2005). *scenario Network Mapping: The Development of a Methodology for Social Inquiry*. University Of South Australia.

Mietzner, Dana & Reger, Guido, (2004). *scenario Approaches - History, Diffrence, Advantages*.

Van Notten, Philip, Jan Rotmans, Marjolein B A van Asselt, (2003). *An Updated Scenario Typology*.